

عَمَّا تَعْمَلُونَ^{٤٦} تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ

از آنچه میکنید عمل * این بود امتیکه در گذشت. بآنهاست آنچه کسب کردند

وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُشْعَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{٤٧}

و بشما آنچه کسب میکنید. و نیستید مسئول از آنچه همواره میکرددن عمل *

سَيَقُولُ الْسُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمْ إِلَيْهِ

باز میگویند سفهاء از مردم چه کرد روگران آنها را از قبله ایشان که

كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

بودند برآن. بگو از الله است مشرق و مغرب. کند هدایت هر کرا خواهد

إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ^{١٤٦} وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا

به صراط مستقيم * باشد تا وسط امت شما را ساختیم بدینسان

شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا

شهداء بر مردم و باشد رسول بر شما ونه شهید.

١) وسط: مثل وسط دریا که پاکترین و تیزترین میباشد. همچنان اسلام! مراد از وسط بهترین است نه بین البین!

جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ

ساختیم قبله را که بودید برآن إلا کنیم معلوم آنکه تابع رسول است

مِمَّنْ يَنْقِلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى

از آنکه بر میگردد بر عقب خود. و یقیناً هست بسیار دشوار إلا بر

الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعُ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ

کسانیکه هدایت کرده الله. و نمیکند الله ضایع ایمان شمارا. یقیناً الله است

بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ^{٤٣} قَدْ نَرَى نَقْلُبَ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ

بر مردم بس رؤوف رحيم * البته می بینیم گردش رویت را بسوی آسمان.

فَلَنُولِّيَّكَ قِبْلَةً تَرْضِيهَا فَوْلَ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

میگردانیم ترا به قبله که داری رضایت باان. بگردان وجه خود را طرف مسجد حرام.

وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُوا وَجْهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا

و هرجا که باشید بگردانید وجه خود را طرف آن. و یقیناً آنانکه داده شدند

الْكِتَبَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (٤٤)

كتاب، دارند علم که آنست حق از رب آنها. و نیست الله غافل آنچه میکنند عمل*

وَلَكُنْ أَتَيْتَ النِّئِينَ أُوتُوا الْكِتَبَ بِكُلِّ إِيَّاهٍ سَاتِبٌ عَوْا قِبْلَتَكَ وَمَا

و اگر بیاری برای آنانکه داده شده کتاب، کل آیات را، نمیکنند متابعت قبله ترا. و نه

أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَكُنْ

تو میکنی متابعت قبله آنها. و نه بعضی آنها میکنند متابعت قبله بعضی را. و اگر

اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمْ يَنْ

متابعت کردی اهواه آنها را از بعد آنکه آمد برایت از علم، می باشی آنگاه از جمله

الظَّالِمِينَ^(٤٥) الَّذِينَ أَتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرُفُونَهُ كَمَا يَعْرُفُونَ

ظالمین * کسانیکه دادیم به آنها کتاب را میشناسند آنرا طوریکه میشناسند

أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ^(٤٦)

* ابناء خود را. و یقیناً فریقه از آنها میکنند پنهان حق را و آنها میفهمند

الْحُقْقُ مِنْ رَبِّكَ فَلَا يَكُونُنَّ مِنَ الْمُهْتَرِئِينَ^{٤٧} وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ

حق که از رب توست پس نباش از شک کندگان * و بکل است جهتی،

هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتِيقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ

او میگرداند رو با ان پس سبقت کنید بخیرات. هرجا که باشید میآورد شما را الله

جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{٤٨} وَمِنْ حِيثُ خَرَجْتَ

جمیعاً. یقیناً الله است بر کل شیء قادر * و از هرجا خارج میشوی

فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمُسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لِكُلِّ مِنْ رَّبِّكَ طَ

بگردان و جه خودرا طرف مسجدالحرام. و آنست برق از رب تو.

وَمَا اللَّهُ يُغَافِل عَمَّا تَعْمَلُونَ^{٤٩} وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ

و نیست الله غافل از آنچه میکنید عمل * و از هرجا خارج میشوی بگردان

وَجْهَكَ شَطْرَ الْمُسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُوا وَجْهَكُمْ

وجه خودرا بسمت مسجدالحرام. و هرجا باشید بگردانید وجه خودرا

شَهْرَةٌ لِئَلَّا يَكُونَ لِلثَّالِسِ عَلَيْكُمْ حِجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ أُمُّ

طرف آن تا نباشد بمردم عليه شما حاجتی إلا کسان ظالم آنها^۱

فَلَا تَخُشُوهُمْ وَأَخْشُوْنِي وَلَا تَمْلَئُنِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تُهْتَدُونَ^{۱۵۰}

پس نترسید از آنها و بترسید از من تا تمام کنم نعمتهاى خودرا برشما و تا شما هدایت یابيد*

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو مَا عَلِيْكُمْ أَلْيَتِنَا وَيُزَكِّيْكُمْ

طوریکه ارسال کردیم بین شما رسولی از شما تا کند تلاوت برایشما آیات مارا و پاک کندشمارا

۱) تا نباشد انتقاد که غیر از قبله ابراهیم (ع) به قبله دیگری رو میگردانید. مردم ظالم به انتقاد، مخالفت و اعراض خود دوام میدهند

وَيَعْلَمُكُمُ الْكِتَبَ وَالْحِكْمَةَ وَيَعْلَمُكُمُ الَّذِي تَكُونُوا تَعْلَمُونَ^{١٥١}

* و بدهد تعلم بشما كتاب را و حکمت را و بدهد تعلم شمارا آنچه نبودید عالم برآن.

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا إِلَيْيَ وَلَا تَكُفُرُونِ^{١٥٢} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

باز ذکر کنید مرا ذکر میکنم شمارا و شکر کنید بمن و نکنید کفر * يا اى کسان

أَمْنُوا السُّتُّعِينُوا بِالصَّابِرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ^{١٥٣}

* با ایمان استعانت بخواهید با صبر و صلات. ^١ بقیناً الله است با مردم صابر

(۱) صلوات: نماز. (در نماز بندۀ تمدنی قربت، عنایت، مهربانی، توجه و وصلت الله را دارد)

وَلَا تَقُولُوا إِنَّمَا يُقتلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ

و نگوئید بآنکه شده قتل فی سبیل الله اموات. بلکه حیات اند

وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ^{١٥٤} وَلَكُنْ بُلْوَثَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخُوفِ

و لاکن نداریدشما شعور * و میکنیم آزمایش شمارا بچیزی از خوف

وَالْجُوعُ وَنَقْصٌ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ

و جوع^١ و نقص در اموال و انفس و ثمرات. و

(۱) جوع: گرسنگی

بِشَّرِ الصَّابِرِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُّحْسِنَةٌ قَالُوا إِنَّا

بشارت دهید بصابران * آنانکه چون اصابت کند بآنها مصیبتي گویند مائیم

لِلَّهِ وَإِنَا إِلَيْهِ رَجُعُونَ ۝ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوةٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ

از الله و ما نزد او رجعت میکنیم. * آنها اندکه بر آنهاست صلوات از رب آنها

وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ۝ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ

و رحمت و آنها اند همان هدایت شدگان * یقیناً صفا و مروده است

مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ

از شعائر^۱ الله، پس هر که حج بیت رود یا عمره کند نیست گناهی

عَلَيْكُمْ أَنْ يَطْوَفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ

براو که کند طواف برآن دو. و هر که طوعاً کند خیر بیقین الله است

شَاكِرٌ عَلِيمٌ^{۱۵۸} إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيْتِ

شاکر علیم * یقیناً کسانیکه میکنند پنهان آنچه نازل کردیم از بینات

۱) شعائر: نشانه ها، علائم، مراسم، مناسک، اسناد، دلائل.

وَالْهُدُىٰ مِنْ بَعْدِ مَا يَرَىٰهُ اللَّٰهُسْ فِي الْكِتَابِ لَا وَلِكَ

و هدایات، از بعد آنکه بیان کردیم آنرا بمردم در کتاب، با آنها

يَلْعَنُهُمُ اللَّٰهُ وَيَلْعَنُهُمُ الْعِنُونُ^{٥٩} إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا

کند لعنت الله و کند لعنت لعنت کند گان * إلا آنانکه توبه کردند و اصلاح شدند

وَبَيْسُوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَابُ الرَّحِيمُ^{٦٠} إِنَّ

و بیان کردند آنهاست که میشویم تواب برآنها. و منم تواب رحیم * یقیناً

الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَا تُوَا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ

آنکه کافرند و می‌میرند و می‌مانند کفار آنهاند که برآنهاست لعنت الله

وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ^{١٤١} خَلِدِينَ فِيهَا لَا يُخْفَى

و ملائک و مردم جمیعاً * خلد می‌کنند آنجا. نمی‌یابد تخفیف

عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ^{١٤٢} وَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَإِنَّ

از آنها عذاب و نه آنها می‌باشد مهلت * و خدای شماست خدای واحد

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ^(٤٣) إِنَّهُ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * يقيناً در خلقت سماوات و زمین

وَأَخْتِلَافِ الْيَوْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ

و اختلاف شب و روز و کشتی ها که جریان دارد در بحر،

بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ لَمْ يَنْعَمْ

که دهد منفعت بمقدم و آنچه نازل کرده الله از سماء از آب

فَأَحْيِ أَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَائِيٍّ

که احیا کند باان زمین را بعد موت آن و بث کرد آنجا^۱ از کل جانوران

وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخِّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

و گردش بادها و ابرها، مسخر بین سماء و زمین،

لَا يَتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ^{۱۴۶} وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَخَذُ مِنْ دُونِ

بسا نشانهاست بقومیکه میکنند تعقل * و از مردم بعضی میکنند اتخاذ بدون

۱) بث کرده آنجا: پراگنده کرده آنجا، پاشیده آنجا، ریخت آنجا، متلاشی کرد آنجا.

اللَّهُ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَوْبِ اللَّهِ وَالَّذِينَ امْنَوْا أَشَدُ حُبًّا

الله مددگارانی، دارند محبت بآنها مانند حب الله. و کسان با ایمان دارند اشد حب

لِلَّهِ طَوَّرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ لَا أَنَّ الْقُوَّةَ

به الله. واگر بیینند آنانکه ظلم کردند، وقتی بیینند عذاب را، یقیناً قوت

لِلَّهِ جَمِيعًا لَا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ۝ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ

از الله است جمیعاً و یقیناً الله است شدید عذاب * چون تبرئه کنند کسان

اتَّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَنَقْطَعَتْ بِهِمْ

متبع از کسان تابع و بینند عذاب را و شود قطع بین آنها

الْأَسْبَابُ^{٤٤} وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْلَا أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأُ

همه اسباب * و گوید کسان تابع کاش که مارابود کرتی میکردیم تبرئه

مِنْهُمْ كَيْفَ كَيْفَ وَامِتَّا طَكْنِ لَكَ يُرِبِّهِمُ اللَّهُ أَعْلَمُ هُمْ حَسَرَتِ

از آنها چنانکه تبرئه کردند از ما. اینطور مینماید بآنها الله اعمال آنها را حسرتها

عَلَيْهِمْ وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ^{١٤٧} يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُّا

بر آنها. و نمیتوانند شوند خارج از آتش * یا ای مردم بخورید

مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوطَ الشَّيْطَنِ

آنچه در زمین است حلال و طیب و نکنید متابعت خطوه های شیطان را.

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ وَمُبِينٌ^{١٤٨} إِنَّمَا يَا مُرْكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَ

اوست بشما دشمن مبین * بس میکند امر شمارا به بدی و فحاشی و

أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^{١٤٩} وَإِذَا أُقِيلَ لَهُمْ أَتَّبِعُوا

آنکه بگوئید بر الله آنچه ندارید علم * و چون بگویند باانها متابعت کنید

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا إِلَّا تَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ أَبَاءَنَا طَأْوَلَوْ

آنچه نازل کرد الله میگویند نه! میکنیم متابعت آنچه یافتیم برآن آباء خودرا. و ولو

كَانَ أَيَّاً وَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَكْتَدُونَ^{١٧٦} وَمَثَلُ الَّذِينَ

باشد آباء آنها را نه تعقل برچیزی و نه بهدايت باشند * و مثال کسان

كَفَرُوا كَمْثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً طَ

کافر بمثل آن است که جیغ زند بآنکه نمی شنود الا دعا را و نداء را.

صُمَّمُ بِكُمْ عُمُّى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝ يَا يَاهَا الَّذِينَ أَنْوَأْكُلُوا

کر گنگ کور هستند ندارند عقل * یا ای کسان با ایمان بخورید

مِنْ طِبِّتِ هَارِزَ قُنَاقُمْ وَ اشْكُرُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ إِيمَانَهُ تَعْبُدُونَ ۝

از پاک چیزیکه رزق دادیم بشما و شکر کنید به الله اگر هستید باو عبادت کنندگان *

إِنَّمَا حَرَمَ عَلَيْكُمُ الْبَيْتَةَ وَاللَّهُ مَوْلَاهُمُ الْخَنْزِيرُ وَمَا أَهْلَكَ

يقیناً حرام است بر شما مرده و خون و گوشت خنزیر و آنچه اهل شده^۱

بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ إِلَيْهِ بِغَيْرِ وَلَأَعَادِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ

برآن بغیر الله. هر که باشد مضطر^۲ بدون بغي و نه عدو نباشد گناهی براو.

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ

يقیناً الله است غفور رحيم * يقیناً کسانیکه میکنند پنهان آنچه نازل کرد الله از

۱) اهل شده: یاد شده، ذکر شده، خوانده شده. ۲) مضطر: بیچاره، مجبور.

الْكِتَبِ وَيُشْرِفُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَا كُلُونَ فِي

كتاب و ميفروشند آنرا به ثمن قليل آنها اند که نمیخورند در

بُطُونِهِمْ إِلَّا التَّارِ وَلَا يَكِلُّهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزِكِّيهُمْ

بطنهای خود إلا آتش را و نکند تکلم باانها الله یوم قیامت و نکند پاک آنها را

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^(١٧٤) أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى

و برای آنهاست عذاب الیم * آنها اند کسانیکه خریدند گمراهی را بجای هدایت

وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى التَّارِ ^{١٧٥} **ذَلِكَ يَأْنَ**

و عذاب را بحای مغفرت. پس چه صابر ساخته آنها را بر آتش * اینطور برای آنکه

اللهُ نَزَّلَ الْكِتَبَ بِالْحَقِّ وَلَمَّا الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَبِ

الله نازل کرد کتاب را بحق. و یقیناً کسانیکه اختلاف میکنند در کتاب

لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ^{١٧٦} **لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُؤْلِمُ وُجُوهَ كُمْرٍ قَبْلَ**

در شقاق بعید اند * نیست نیکوئی که بگردانید رو های خود را بسوی

الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ وَلَكِنَّ الْبَرَّ مَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

مشرق و مغرب و لكن نيك است هر که ايمان آرد به الله و يوم

الْآخِرُ وَالْمَلِكُكَةُ وَالْكِتَبُ وَالنَّبِيُّنَ وَإِنِّي الْمَالِ عَلَىٰ حِسْبِهِ

آخر و ملائک و كتاب و انبیاء و دهد مالش را بر حب او

ذُوِّي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّالِكِينَ

برای اقارب و يتیمان و مساکین و سبیل ماندگان و سائلین

وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ أَتَى الزَّكُوَةَ وَ الْمُؤْفَنَ بِعَهْدِهِمْ

و در رقاب،^۱ و قائم دارد صلات را و دهد زکات را، و وفا کنندگان به عهد خود

إِذَا عَاهَدُوا وَ الظَّرِيرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضرَرِ وَ حِينَ الْبَأْسِ ط

چون عهد کنند و صبر کنندگان در سختی و ضرر و حین شکنجه.

أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ^(٦٧) يَا يَا الَّذِينَ

آنها اند کسانیکه صدق کردند. و آنهاند همان مردم متقدی * یا ای کسان

۱) رقاب: جمع رقبه (گردن). "فِي الرِّقَابِ" اصطلاح است، يعني خلاص کردن گردن غلام، اسیر یا آزادی از جبر و ظلم .

اَمْنُوا كِتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي القَتْلِ اَلْحُرُّ بِالْحُرُّ وَالْعَدُوُّ

با ایمان مکتوب^۱ شد بشما قصاص در قتل. هر با هر و عبد

بِالْعَدُوِّ وَالْأَنْثى بِالْأَنْثى طَفَّافٌ عُغْنَى لَهُ مِنْ أَخْيُوكُشَى وَ

با عبد و انشی با انشی. هر کرا عفو رسید باو از برادرش چیزی،

فَاتِبَاعُ الْمَعْرُوفِ وَدَعْرُ الْبَيْكِ بِالْحَسَانِ ذَلِكَ تَحْفِيفٌ

کندمتابت بطور معروف و اداء کند برای او با احسان. این است تحفیفی

۱) مکتوب است: نوشته شده، امر شده، مجاز است، فرض است.

مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةً فَمَنِ اعْتَدَ لِكَ فَلَهُ عَذَابٌ

از رب شما و رحمتی. پس هر که تجاوز کند بعد این با وست عذاب

أَلِيْمٌ وَّلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَوْمَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ

الیم * و بشماست در قصاص حیات یا دارندگان خرد^۱ برای آنکه

تَتَّقُونَ ^{۱۷۹} **كِتَبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ**

تقوا کنید * مکتوب شد بر شما هرگاه حاضر شود بر احمد شما موت، اگر ترك کند

۱) اولی الالباب: دارندگان خرد، کسانیکه ساحت علم وسیع دارند، از شقوق مختلف بروخوردارند.

خَيْرًا لِلْوَصِيَّةِ لِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَسَنًا

اندوهی، وصیتی باشد برای والدین و اقارب بطور معروف. حق است

عَلَى الْمُتَّقِينَ طَفَّنْجَ بَدَلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمَهُ

بر مردم متقدی. * و هر که بدل کند آنرا بعد آنکه شنید آنرا باشد یقیناً گناه آن

عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ طَفَّنْ خَافَ

بر کسانیکه میکنند بدل آنرا. یقیناً الله است سمیع علیم. * هر که خوف دارد

مِنْ مُؤْصِّصٍ جَنَفًا أَوْ اِثْنَيْنِ أَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ

از وصیت کننده جرمی یا گناهی باز اصلاح آرد بین آنها نیست گناهی براو.

إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمْ

یقیناً الله است غفور رحيم * یا ای کسان با ایمان مکتوب شد بر شما

الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقَوْنَ ^{﴿٦٧﴾}

صیام^۱ چنانچه مکتوب شد بر کسان از قبل شما تاکه کنید تقوا *

۱) صیام: روزه.

إِنَّمَا مَعْدُودٌ مَنْ كُرِهَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ

ایام که عدد شده است. هر که باشد از شما مریض یا به سفر

فَعِدَةٌ مِنْ إِنَّمَا مَرِيضًا أَخْرَجَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِي لَيْلَةٍ طَاعَمُ

باز عده از روزهای دیگر. و بر آنانکه دارند طاقت آنرا، فدیه دهند طعام

مِسْكِينٌ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ

بمسکین. پس هر که خواهد خیر^۱ آنسست خیری برایش. و اگر روزه گیرید خیر است

۱) خیر: بیشتر، اضافی، علاوه برآن.

لَكُمْ لِيْلَةُ الْقُرْبَانَ وَالنَّجْفَانَ^{١٤٦} شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ

بشما اگر هستید شما با علم * ماه رمضان است که نازل شد در آن

الْقُرْآنُ هُدًىٰ لِلْبَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْغُرْقَانِ فَمَنْ

قرآن، هدایتی برای مردم و بیانات از هدایات و فرقان. پس هر که

شَهْدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلِيَصُمِّهُ طَوَّصَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى

شاهد باشد^۱ از شما در این ماه بگیرد روزه. و هر که باشد مريض يا بر

۱) شاهد باشد: حاضر و مقیم خانه خود باشید.

سَفَرْ فَعِلَّةٌ مِّنْ أَيَّامِ أُخْرَى يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْوُسْرَ وَلَا يُرِيدُ

سفر، عده از روزهای دیگر. دارد اراده الله بشما آسانی و ندارد اراده

بِكُمُ الْعُسْرَ وَلَا تَكِمِلُوا الْعِدَّةَ وَلَا تَكِبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَى كُمْ

بشما عسرت، تا تکمیل کنید عده را و تکبیر گوئید الله را، برآنکه هدایت کردشمارا

وَلَعَلَّكُمْ تَشَكُّرُونَ^{١٨٥} وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ

و برای آنکه شکر کنید^۱* و اگر سؤال کند از تو عبادم ازمن، پس منم قریب.

۱) لذت نعمت در شکر است. حریص از نعمت شکر محروم است.

أَجِيبُ دَعْوَةَ اللَّاءِعِ إِذَا دَعَانِ فَلَيْسَتِ تِجْيِبُوا لِي وَلَيُؤْتَنُوا لِي

اجابت کنم دعا کننده را وقتی کند دعای بمن پس کنند استجابت بمن و ایمان آرند بمن

لَعَلَهُمْ يَرْشُدُونَ^(١٦٩) أَحِلَّ لَكُمُ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى

برای اینکه شوند کامیاب * حلال است بشما شب صیام رفت با

نِسَاءِ كُمُطْهُنَ لِبَاسِكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسِ لَهُنَّ طَعَلِمَ اللَّهُ

نساء شما. آنها اند لباس بشما و شما اید لباس بآنها. علم دارد الله

١) رفت: مجامعت، لخت یا لچ شدن، بی حیائی

أَنْكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَّا عَنْكُمْ

شما همواره میکردید خیانت بنسهای خود، شد تواب برشما و عفو کرد از شما.

فَالْئَنِّي بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَكُلُوْا وَاشْرُبُوْا

الآن مباشرت کنید با آنها و حاصل کنید آنچه مکتوب کرد الله بشما و بخورید و بنوشید

حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخِيطُ الْأَيْضُّ مِنَ الْخِيطِ الْأَسْوَدِ مِنَ

تا شود آشکارا بشما خيط^۱ سفید سیاه هنگام

۱) خيط: تار. (خیاط، خیاطی، خیاط خانه)

الفَجْرِ نَمَّأْتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى الْيَلَى وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ

فجر باز به اتمام رسانید صیام را تا شب. و نکنید مباشرت بآنها وقتی هستید

عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ

عاكف در مساجد. اینست حدود الله نکنید تقرب بآنها.^۱ بدینسان

يُبَيِّنُ اللَّهُ أَيْتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ^{١٨٧} وَلَا تَأْكُلُوا آمَوَالَكُمْ

کند بیان الله آیات خود را بمردم برای آنکه کنند تقوا * و نخورید اموال خود را

۱) حتی قریب نشوید برای گذشتن از حدود الله.

بِيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُو إِلَيْهَا إِلَى الْحُكَمِ لِتَأْكُلُوهَا فِرِيقًا مِنْ

بين خود بباطل تاشوید نزدیک باان به حکام که بخورید حصه از

أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ^{١٨٨} يُعَلِّمُونَكُمْ عَنِ الْأَهْلَةِ

اموال مردم را بگناه، وقتی شما خود میفهمید * میکنند سؤال ترا از هلال ها.

فُلُّهُ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحِجَّةُ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا

بگو اينها اند معين اوقات برای مردم و برای حج. و نیست نیکوئی که درآيد

البيوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلِكِنَ الْبَرَّ مَنِ اتَّقَىٰ حَوَّا الْبُيُوتَ

بخانه ها از پشت های آن و لakan نیکوئی است هر که کند تقوا . و درآئید بخانه ها

مِنْ أَبُوايْهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^{١٨٩} وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ

از دروازه های آن و کنید تقوا به الله ^١* و قتال کنید فی سبیل

اللَّهُ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

الله با آنانکه میکنند قتال با شما و نکنید تعدی.^٢ یقیناً الله ندارد حب با

۱) سؤال که ماه های نو چرا دیگر با موسم خود توافق ندارد. سال بدوازده قمری مختص یافت تاریخی و حج در موسمهای مختلف واقع شده برای نیم کره شمال و جنوب مساویانه تقسیم شود. ۲) تعدی: سرکشی، از حد گذری، جبر، تجاوز، ستم.

الْمُعْتَلِينَ ٤٠ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ

تعدى كنندگان * و قتل کنید آنها را هرجا بیاید آنها را و اخراج کنید آنها را

مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقْتِلُوهُمْ

از هرجا اخراج کردند شمارا و فتنه است شدیدتر از قتل. و نکنید قتال با آنها

إِنَّ الْمُسْبِحِينَ الْحَرَامَ حَتَّى يُقْتَلُوكُمْ فَإِذَا فَانَ قُتِلُوكُمْ

نzd مسجدالحرام حتى قتال کنند باشما در آنجا. و اگر قتال کردند با شما

فَاقْتُلُوهُمْ كَذِلِكَ جَزَاءُ الْكُفَّارِينَ ۝ فَإِنْ اتَّهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ

باز قتال کنید با آنها. چنین است جراء کافران * و اگر انتها دهند باز یقیناً الله است

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَّ يَكُونَ

غفور رحيم * و قتال کنید با آنها حتی نماند فتنه و برقرار شود

الِّيْلَيْنِ لِلَّهِ ۝ فَإِنْ اتَّهَوْا فَلَا عُذْ وَإِنَّ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ۝

دین برای الله. پس اگر انتها دادند باز نباید دشمنی داشمی الا با مردم ظالم *

الشَّهْرُ الْحُرَامُ بِالشَّهْرِ الْحُرَامِ وَالْحُرْمَةُ قِصَاصٌ طَفَّيْنَ

ماه حرام با ماه حرام و حرمت هاراست قصاص^۱. پس هر که

اعتدلی علیکم فاعتدل واعلیکو بیمثل مَا اعْتَدَی عَلَیْکُمْ

تعدى کند برشما کنید تعدى برا آنها بمثل آنکه تعدى کردند برشما

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ^(٩٤) وَأَنْفِقُوا فِي

و تقوا کنید الله را و علم بداريد که الله است با مردم متقى * و بدھید نفقه فى

۱) ذى قعده امسال ذى قعده سال گذشته را تلافی میکند. (معاهده حدیبیه). اگر متتجاوزین حرمت را مراعت نکرده با شما قتال میکنند شما در مقابل قتال کنید. قصاص: جبیره. مقابل هر بی حرمتی متتجاوز، شما مستحق قصاص هستید.

سَبِيلُ اللَّهِ وَلَا تُلْقِو بِآيُهُنَّمَ إِلَى التَّهْلِكَةِ وَأَحْسِنُوا إِلَى

سبيل الله و نيانداريد خودرا بدست خود بتهلكه.^١ و احسان کنيد.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^{١٩٥} وَأَتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ

يقيينا الله دارد حب با محسنين * و کنيد تمام حج و عمره را برای الله.^٢ پس اگر

أُحْصِرْتُمْ فَمَا أَسْتَبِسَرَ مِنَ الْهُدُىٰ وَلَا تَحْلِقُوا وَوْسَكُمْ

حصر شدید آنچه باشد سهل از هديه دهيد. و نکنيد تراش سرهای خودرا

(۱) تهلكه: ترس هلاکت، خطر، اندیشه. (۲) ادائی حج بنهائی "افراد"، یکجا با عمره بیک احرام "قرآن" و با احرام جدا "تمتع" میباشد.

(۳) حصر شدید: قیدشدید، دورشما دیوار یا موانع باشد، منحصر شدید، قلعه بند شدید (انحصار، بالاحصار)

حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهُدُوٰ فَمَنْ كَانَ مِثْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بَهَّ

حتى^١ برسد هديه بمحلش. و اگر باشد از شما مريض کسی يا بر او

أَذَّى مِنْ رَأْسِهِ فَغِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٌ أَوْ نُسُكٌ

اذيتي بر سرش، بدھد فديه کدام صيام يا صدقه يا نُشك.^١

فَإِذَا آتَيْتُمْ فَمَنْ تَمْتَعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجَّ فَمَا أَسْتَبِسُ

وقتی ايمن شدید، هر که تمتع برداشت از عمره تا حج بدھد آنچه يسر^٢ باشد

(١) نُشك: ذبح گوسفند يا بز فدية تراشیدن موی سر است بحال احرام . (٢) يسر: آسان، سهل (فديه بدھد يا روزه بگيرد)

مِنَ الْهَدِيِّ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ آيَاتٍ مِّنِ الْحَجَّ وَ

از هدیه.^۱ هر که نیابد بگیرد روزه سه روز در حج و

سَبْعَةٌ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةً كَامِلَةً ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ

هفت وقتی رجعت کردید. اینست ده کامل. اینست برای آنکه نباشد

أَهْلُهُ حَاضِرٍ الْمُسْجِدُ الْحَرَامُ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

اهل او از حاضرین مسجد حرام. و تقوا کنید الله را و علم بدارید که الله

۱) بعد از قرآن یا تمتع قربانی لازم میشود اما کسیکه توان نداشته باشد باید ده روز روزه بگیرد

شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾ أَكُجُرُ أَنْتَ هُرْمَلُ عُلُومٍ إِذْ فَمَنْ فَرَضَ فِيمِنْ

شدید است در عقاب^۱* حج است در ماه های معلوم. بر هر که فرض شد در آن

أَكُجُرٌ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي أَكُجُرٍ وَمَا تَفْعَلُوا

حج، نباید رفت و نه فسوق و نه جدال کند در حج. و آنچه میکنید

مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الرِّزَادِ التَّقْوَىٰ وَ

از خیر علم دارد بر آن الله* و تو شه تهیه کنید و یقیناً بهترین تو شه است تقوا. و

۱) شدید العقب: سخت انتقام گیر و سخت سزا دهنده.

اتَّقُونِ يَا أُولَئِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْعُوا

تقوا کنید یا صاحبان دانش * نیست برشما گناه که حاصل کنید

فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفْضَلْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ

فضلی از رب خود. وقتی برگشتید از عرفات کنید ذکر الله را

عِنْدَ الْمَسْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَى لَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ

در مشعرالحرام^۱ و کنید ذکر او را قرار هدایت بشما و آنکه بودید از

۱) مشعرالحرام: نام کوھیست در مزدلفه. قبل از اسلام مردم آنجا امتیازات پدران و نسب خود بافتخارات اعلان میکردند.

قَبْلِهِ لَمْ يَنَّ الظَّالِمُونَ^{١٩٨} ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَضَضَ اللَّّٰهُ

قبل آن از مردم گمراه * باز برگردید از آنجاکه برمیگردند مردم

وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ^{١٩٩} فَإِذَا قَضَيْتُمْ

و استغفاروا الله. يقيناً الله است غفور رحيم * وقتی ادا کردید

مَنَاسِكُكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ أَبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا طَفَّيْنَ

مناسک خودرا کنید ذکر الله را طور ذکر آباء خود يا اشد ذکر. و از

النَّاسُ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا أَتَنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ

مردم بعضی میگوید رب ما بده مارا در دنیا، و نیست برایش در آخرت کدام

خَلَاقٍ ۝ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا أَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي

"خلاق"^١* و از آنهاست آنکه میگوید رب ما بده بما در دنیا حسنات و در

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَاعَذَابَ النَّارِ ۝ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا

آخرت حسنات و وقايه کن مارا از عذاب آتش.

١) خلاق: نصیبه، پاداش، هبه، تحفه.

كَسِبُوا طَوْلَةً وَاللهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ^{٢٦٢} وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ

کسب کردند. و الله است سریع الحساب * و ذکر کنید الله را در ایام معدودات^۱.

فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ

و هر که کند عجله در دو روز نباشد گناهی براو و هر که کند تأخیر نباشد گناهی

عَلَيْهِ لَا لِمَنِ اتَّقَىٰ طَوْلَةً وَاعْلَمُوا أَنَّكُمُ الَّذِينَ تُحْشَرُونَ^{٢٦٣}

براو ؛ برآنکه دارد تقوا. و کنید تقوا بالله و بدانید که شما نزداو میشوید حشر *

۱) ایام معدودات: روزهای عدد شده: یازدهم،دوازدهم و سیزدهم ذوالحجہ.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحُجُّوَةِ الدُّنيَا وَلِسْتُهُدُّ

واز مردم بعضی بتعجب آرد ترا قول او در حیات دنیا و آرد شاهد

اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قُلُوبِهِ وَهُوَ أَكْبَرُ الْخَصَّامِ^{٤٤} وَإِذَا تَوَلَّ سَعْيَ

الله را بر آنچه در قلب اوست حالانکه اوست سخترین خاصم * و چون برگردد سعی کند

فِي الْأَرْضِ لِيُغْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحُرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا

در زمین تا کند فساد آنجا و کند هلاک کشت زار و نسل را. والله ندارد

يُحِبُّ الْفَسَادَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُ أَتْقَنَ اللَّهَ أَخْدَثَهُ ۝ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ ۝

حب بفساد * و اگر گفته شود برایش بکن تقوا بالله، گیرد اورا تکبر از گناه،

فَحَسِبَهُ جَهَنَّمُ ۝ وَلَكِنْسَ الْمَهَادُ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُشَرِّى ۝

باشد حسب او جهنم. و بد مهد است * و از مردم بعضی میفروشد

نَفْسَهُ ابْتِغَاءً مَرْضَاتِ اللَّهِ ۝ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۝ يَا يَا هَا ۝

نفس خودرا بحصول رضایت الله. والله است رؤوف بر عباد خود * یا ای

الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوهَا فِي السَّلَامِ كَافَةً وَلَا تَرْكِبُوهُ أَخْطُوطِ

کسان با ایمان، داخل شوید در اسلام بطور کافه^۱ و نکنید متابعت خطوه های

الشَّيْطَنِ طَإِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ وَمُؤْمِنُونَ فَإِنْ زَلَّتُمْ مِنْ أَعْدِمَا

شیطان را. اوست بشما دشمن مبین * پس اگر تزلزل کردید از بعد آنکه

جَاءَتُكُمُ الْبِيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ هَلْ يَنْظُرُونَ

آمد بشما بیان ها باز بدانید که الله است عزیز حکیم * آیا منتظراند

۱) بطور کافه: به تمام معنی، ازدل و جان، بدون تردد، از هرجهت.

إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلْلٍ مِّنَ الْغَمَّامِ وَالْمَلَكَةُ وَ

إلا که بیاید بآنها الله در پرتو از ابرها، و هم ملائک، آنگاه

قُضِيَ الْأَمْرُ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ^{٢١٥} سَلُّ بَنِي إِسْرَائِيلَ

فیصله شود امر. و نزد الله کند رجعت همه امور * سؤال کن بنی اسرائیل را

كَمْ أَتَيْنَاهُمْ مِّنْ أَيْمَانِنَا طَوَّمَنْ يُبَدِّلُ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ

چقدر دادیم آنها را از آیات مبین. و هر که کند تبدیل نعمت الله را از بعد

مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ^{٢١١} **رُزِّيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا**

آنکه آمد برايش، باز يقيناً الله است شدید ^{*} مزين شده بكسان کافر

الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا

حيات دنيا و ميكتند تمخر بر کسان ايمان دار. و کسان با تقوا

فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ^{٢١٢}

فوق آنهاست يوم قیامت. و الله دهد رزق بهركه خواهد غير حساب *

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ التَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ

بودند مردم امت واحد. و بعث کرد الله انبیاء را بشارت دهنده گان

وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحُكِّمَ بَيْنَ

و انذار دهنده گان و نازل کرد همراهی آنها کتاب را به حق تا کند حکم بین

النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أَوْتُوهُ

مردم آنچه اختلاف کردند در آن. و نکرد اختلاف در آن إلا آنانکه داده شده بودند آنرا،

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبِيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَذِهِ اللَّهُ

از بعد آنکه آمده بود برایشان بینات، از بغاوت بین آنها. کرد هدایت الله

الَّذِينَ أَمْنُوا لِمَا أَخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَرَأْذُنُهُ وَاللَّهُ يَهْدِي

کسان بایمان را از آنچه اختلاف داشتند در آن ؟ از حق ؛ به اذن خود. و الله هدایت میکند

مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ^{١٣٤} أَمْ حَسِبُهُمْ أَنْ تَدْخُلُوا

هر کرا خواهد به صراط مستقیم * آیا حساب میکنید که داخل میشوید

الْجَنَّةَ وَلَهَا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِرُونَ

بجنت و نیامده بشما مثال آنانکه گذشتند از قبل شما. مس کرد آنهارا

الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلٌ وَاحَدٌ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ أَهْنَوْا

سختی ها و ضررها و متزلزل شدند حتی گفت رسول و کسان ایماندار

مَعَهُمْ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ^{٤١٤} يَسْعَلُونَكُمْ

با او، کجاست نصرت الله. خبردار! که نصرت الله است قریب * کنند سؤال از تو

مَآذًا لِّيُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الْدِينُ وَ

چه را بکنند انفاق. بگو آنچه انفاق میکنید از خیر، نخست برای والدین و

الْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا نَفَعُوا

اقارب و يتيمان و مساكين و درماندگان سبيل است. و آنچه میکنید

مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ عَلِيهِمْ ۝ ۲١٥ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ

از خیر، بیقین الله است برآن علیم * مكتوب شد بشما قتال، و آنست کريه

لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكُرُّهُوَا شَيْغًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوَا

بـشـما. و شـايد كـه كـراـهـيت كـنـيد بـچـيزـى و آـن خـير باـشـدـبـشـما. و شـايد كـه مـحبـت كـنـيد

شـيـغا وـهـوـشـرـلـكـمـ وـالـلـهـ يـعـلـمـ وـأـنـتـمـ لـاـتـعـلـمـونـ^{٢٤٦} يـسـعـلـونـكـ

بـچـيزـى و باـشـدـشـرـبـشـما. و الله دـارـدـعـلـمـ و شـما نـدارـيـدـعـلـمـ * كـنـند سـؤـالـ تـراـ

عـنـ الشـهـرـ الـحـرـامـ قـتـالـ فـيـلـهـ قـلـ قـتـالـ فـيـلـهـ كـبـيرـ وـصـلـ

از مـاهـ حـرـامـ قـتـالـ درـآنـ. بـگـوـ قـتـالـ اـسـتـ درـآنـ(گـناـهـ) كـبـيرـ. و باـزـداـشـتـنـ

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفُرِيهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَإِخْرَاجِ أَهْلِهِ

از سبیل الله و کفر براو و (بازداشتن از) مسجد الحرام و اخراج اهل آن

مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ القَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ

از آنجا (گناه) اکبر است نزد الله. و فتنه است (گناه) بزرگتر از قتل. و نمیکشند دست از

يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرْدُدُوكُمْ عَنِ دِينِكُمْ لَنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ

قتال با شما حتی! ردکنند شمارا از دین شما، اگر استطاعت داشته باشند. و هر که

يَرْتَدُ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبَطْتُ

شد مرتد از شما از دین خود باز مرد و ماند کافر، آنها اندکه هدر رفت

أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ

اعمال آنها در دنيا و آخرت و آنها اند اصحاب آتش. آنها

فِيهَا خَلِدُونَ^{١٤٧} إِنَّ الَّذِينَ امْنَوْا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهُوا

همانجا خلد ميکنند * يقيناً کسان با ايمان و کسان مهاجر و مجاهد

فِي سَبِيلِ اللهِ اولیٰکَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللهِ وَاللهُ غَفُورٌ
 فی سبیل الله آنها اند امیدوار رحمت الله. و الله است غفور
 رَحِيمٌ^{۲۱۸} يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَبْسِرِ قُلْ فِيهِمَا آثْمَرٌ كَبِيرٌ
 رحیم * کنند سؤال ترا از خمر و میسر.^۱ بگو بهردو آنهاست گناه کبیر
 وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ
 و منافع بمردم، و گناه آنهاست بیشتر از نفع آنها. و سؤال میکنند از تو

۱) خمر: (شراب). از تخمر انگور، میوجات وغیره. میسر: (قمار) به آسانی (یسر) پول بدست آوردن.

مَذَا يُنْفِقُونَ هُنَّ قُلُّ الْعَفْوٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَتِ

چه را کند انفاق. بگو اضافی را. بدینسان میکند بیان الله بشما آیات را

لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ^{٢١٩} فِي اللَّهِ نِيَّا وَالْأُخْرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ

برای اینکه بکنید تفکر * راجع بدنیا و آخرت. و کند سؤال ترا از

الْيَتَمِّي قُلْ إِصْلَامُهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تَخْأَلْ طُوهُمْ فَإِخْوَانَكُمْ

يتیم ها. بگو اصلاح آنهاست بهتر. و اگر کنید خلط آنها را^۱ شوند برادران شما.

۱) اگر کنید خلط آنها را: اگر شریک کنید آنها را دریشه خود، اگر مخلوط کنید آنها را بتجارت خود.

وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَا عَذَابَكُمْ

و الله میداند مفسد را از مصلح. واگر میخواست الله میکرد خوارشمارا.

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{٢٠} وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنْ^٣

يقیناً الله است عزیز حکیم * و نکنید نکاح مشرکات را حتی ایمان آورند.

وَلَا مَأْمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبْتُكُمْ وَلَا تَنكِحُوا

و کنیز مؤمنه بهتراست از مشرکه ولو بتعجب آرد شمارا. و نکنید نکاح

١) ولو بسیاز مورد پسند شما واقع شوند.

الْمُشْرِكُونَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا طَوْلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ

بشر کان را حتی ایمان آورند. و غلام مؤمن بهتر است از مشرك

وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ طُولَكَ يَدْعُونَ إِلَىٰ النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَيْهَا

ولو بتعجب آرد شمارا. آنها میکنند دعوت بسوی آتش. و الله میکنند دعوت

إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيَبْيَسُ أَيْتَهُ لِلنَّاسِ كَعَلَمُ

بسوی جنت و مغفرت به اذن خود. و میکنند بیان آیات خود را بمردم تاکه

يَتَنَّكِرُونَ^٤ وَيَسْعَلُونَكَ عَنِ الْحَيْضِ طَفْلٌ هُوَ أَذْيَى لَا

شوند متذکر * و کنند سؤال از تو راجع به حیض. بگو آن است اذیتی.

فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْحَيْضِ لَا تَأْتِقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ

پس اعتزال^۱ کنید از نساء در حیض و نشوید قریب آنها تا که

يَطْهَرُونَ فَإِذَا تَطَهَّرُنَّ فَاتُؤْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمْرَكُمُ اللَّهُ

شوند مطهر. وقتی شدند مطهر بیایید آنها را از آنسو که امر کرد بشما الله.

۱) اعتزال: کناره جوئی، دوری، جدائی

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٤﴾

يقيناً الله دارد حب بمردم تواب و دارد حب بمردمان مطهر * نساء شماست

حَرَثْتُ لَكُمْ فَاتِوا حَرَثَكُمْ أَلَيْ شِئْتُمْ وَقَدِ مُؤْلِأَنْفِسِكُمْ

کشترار شما بیایید بکشتر خود طوریکه خواهید. و اقدام کنید^۱ برای نفسهای خود.

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلْقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٥﴾

* و تقوا کنید بالله و بدانید که شما ملاقاتش میکنید. و بشارت دهید بمؤمنین

۱) اقدام کنید: قدم نیک بردارید که اول و آخرت شما نیک باشد.

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عَرْضَةً لِّا يَهْمَأْنَكُمْ أَنْ تَبْرُدُوا وَتَتَقْوَىٰ وَ

و نه سازيد الله را عارضه^۱ بر قسم های خود که کنیدنیکوئی، و کنیدتقوا و

تُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ ۚ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^{۲۲۴} لَا يُؤَاخِذُكُمْ كُمْ

کنید اصلاح بین مردم. و الله است سمیع علیم * نمیکند مأخذه شمارا

اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ بِوَاعِذْ كُمْ بِمَا كَسَبْتُ

الله بر لغو در سوگند های شما و لakan میکند مأخذه شمارا برآنچه کسب کرد

۱) عارضه: هدف، بهانه، وجهه. قسم بنام الله نباید برای فریب، ناحق یا بیحا باشد. قسم باشد برای کامیابی، تقوا، و اصلاح.

فَلَوْ بِكُمْ وَاللهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ^{٢٤٥} لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَاءِ إِنْ

قلبهای شما. و الله است غفور حليم * بانانکه رومیگردانند^۱ از نساء خود

تَرْبُصُ أَرْبَعَةٍ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاعِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ^{٢٤٦}

انتظار کشند چهار ماه. اگر نادم شدند باز یقیناً الله است غفور رحيم *

وَإِنْ عَزَمُوا الْ طَلاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^{٢٤٧} وَالْ مُطْلَقُ

و اگر عزم کردند طلاق باز یقیناً الله است سمیع علیم * و زنان طلاق شده

۱) رومیگردانند: قسم میخورند که نمیکنیم مقارت

يَتَرَبَّصُنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوْطَ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكُونُنَّ

بکشند انتظار بر نفسهای خود سه دوره حیض. و نیست حلال برای آنها که کنند پنهان

مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

آنچه خلق کرده الله در رحم های آنها اگر هستند ایماندار به الله و یوم

الْآخِرَةِ وَبِعُولَتِهِنَّ أَحَقُّ بِرَدَّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا

آخرت. و شوهران آنها اند مستحق به رد آنها در این اگر اراده دارند اصلاح.

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ

و برای آنهاست (حقوق) مثل که برعلیه آنهاست بطور معروف و برای مردهاست برآنها

دَرْجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٢٨﴾ أَطْلَاقُ هَرَتِنِ فَامْسَاكٌ مَعْرُوفٌ

درجة. والله است عزيز حكيم * طلاق(رجعي) است دو بار، باز امساك^۱ طور معروف

أَوْ تَسْرِيرٌ مَحْرُرٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِدُ لَكُمْ آنَّ تَأْخُذُ وَإِنَّمَا آتَيْتُمُوهُنَّ

يا تسریح^۲ با احسان. و نیست حلال بشما که کنید اخذ آنچه دادید بآنها

۱) امساك: نگهداشتن، رهانکردن. ۲) تسریح: رها کردن، جدائی، دور شدن.

شَيْئًا إِلَّا أَن يَخْافَ الْأَيْقِيمًا حُدُودًا اللَّهُ فَإِنْ خِفْتُمُ الْأَيْقِيمًا

چیزی إلا که کنند خوف که نمی‌مانند قائم بحدود الله. اگر خوف دارید که نمی‌مانند قائم

حُدُودًا اللَّهُ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَكَتُ بِهِ طِلْكَ

بحدود الله باز نیست گناه بر آن دو آنچه کند فدیه (زن) بان.^۱ این است

حُدُودًا اللَّهُ فَلَا تَعْتَدُ وَهَا وَمَنْ يَتَعَلَّ حُدُودًا اللَّهُ فَأُولَئِكَ

حدود الله پس نکنید تعدی در آن. و هر که کند تعدی بحدود الله باز آنها

۱) واپس گرفتن مهر حلال نیست الا که مردی بگناه باشد وزن طلاق بخواهد. این را خلع می‌گویند.

هُمُ الظَّالِمُونَ^{٤٩} فَإِنْ طَلَقَهَا فَلَا تَحْلِلُ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ

هستند مردم ظالم * اگر طلاق کرد اورا بازنيست حلال برایش از بعد آن حتی

تَنكِحَهُ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجِعَا

کند نکاح (زن) زوجی غیراو. باز اگر طلاقش کرد آنگاه نیست گناه برآن دو که کند رجعت

إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقْرِيمَ مَا حُدُودَ اللَّهِ وَتَلَكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا

اگر میدانند که میدارند قائم حدود الله را. و اینست حدود الله که میکند بیان آنرا

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَا كَغْنَ أَجَلَهُنَّ

برای قوم دارای علم * و چون طلاق کردید نساء را و پوره کردند اجل^۱ خود را

فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ صَوْلَاتٌ مُسْكُوهُنَّ

باز امساك کنید آنها را طور معروف یا رها کنید آنها را طور معروف. و نکنید امساك آنها را

فِرَارًا لِتَعْتَدُوا ۝ وَمَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۝ وَلَا

بضرر که تعدی کنید. و هر که فعل کرد چنین فقط ظلم کرد بنفس خود. و نه

۱) اجل خود را: عدت معین خود را.

تَنْهَذُ وَايْتِ اللَّهَ هُزُوًّا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ

اخذ کنید آیات الله را هزو، و ذکر کنید نعمت الله را برخود و آنچه کرد نازل

عَلَيْكُمْ مِّنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةُ يَعْظِمُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُو

بر شما از کتاب و حکمت، میکند و عظم بشما باان. و تقوا کنید به الله و بدارید علم

أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^{٤٣٣} وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَا كُنْ

که الله است بر کل شيء علیم * و چون طلاق کردید نساء را و پوره کردند

أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحُنَّ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا

اجل خود را بازنگنید منع آنها را که کنند نکاح ازواج خود را اگر دارند رضایت

بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمُ يُؤْمِنُ

بین خود بطور معروف. اینست که میشود وعظ باآن هر که هست از شما ایمان دار

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكُمْ أَزْكِي لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

بر الله و يوم آخر. اینست پاک تر برای شما و بس مطهر. و الله دارد علم

وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^{٢٤٤} وَالْوَالِدُتُ يُرْضِعُنَّ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ

و شما ندارید علم * و مادران کند رضاعت اولاد خود را دو سال

كاملین لیمن آزاد آن یعنی الرضاعه طوعلی المولودله

کامل ؛ آنکه دارد اراده که کند تمام رضاعت را.^۱ و برآنکه مولود از اوست،

رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكْفِرُنَّ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا

رزق آنهاست و پوشاك آنها بطور معروف. نگردد مكلف نفسی إلا بقدر وسع او.

۱) يرضعن: بدھند شیر. الرضاعه: شیر دھی را

لَا تُضْلِلَ اللَّهُ بِوَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودُ اللَّهِ بِوَلَدِهِ وَعَلَىٰ

نرسد ضرر بوالده از ولدش و نه آنرا که مولود ازاوست ؛ از ولدش.^۱ و بر

الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَ افْصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ

وارث مثل همین. و اگر اراده فصال^۲ کنند به رضایت بین خود و

تَشَاءُرٌ فَلَا جُنَاحٌ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُسْتَرِضُوهُمَا

کنند مشوره نباشد گناهی برآنها. و اگر اراده کردید که بگیرید دایه شیر ده

(۱) نسبت اولاد نباید برای مادریا پدریا وارث ضرری برسد. در اسلام پدر مسؤول مولود است.

(۲) فصال: جدائی (از شیردهی)

أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا اسْلَكْتُمْ هَـٰ آتِيَتُمْ بِالْمُعْرُوفِ ط

به اولاد خود بازنيست گناهی برشما چون سالم ميداريid آنچه ميدهيد طور معروف.^۱

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^{٤٣} وَالَّذِينَ

وتقواکنيد به الله و بدانيد که الله برآنچه ميکنيد بصيراست * و آنانکه

يُتُوقَّفُونَ مِثْكُمْ وَيَنْرُونَ أَزْوَاجَهُمْ تَرَبَّصُنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ

ميکنند فوت از شما و ميگذارند ازواجى، بکشند انتظار بنفسهای خود زنان چهار

۱) حقوق مادر، پدر و دایه باید طور معروف و پسندیده مراعت شود. نظر به شرایط اگر به موافقه خود تجدید نظر ميکنيد گناه ندارد.

الثُّمُر وَعَشْرًا فِي ذَا الْكَعْدَنْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا

ماه و ده روز. چون پوره کردند اجل خود را باز نیست گناه برشما آنچه

فَعَلُوكُمْ فِي أَنفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللهُ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ خَيْرٌ^{٢٣٤}

فعل کنند بر نفسهای خود طور معروف. و الله است برا عمال شما خبیر *

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ

و نیست گناه برشما آنچه عرض میکنید باز "خطبة النساء"^١

١) "خطبة النساء": پیشنهاد نکاح.

أَوْ أَكُنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَلْكُرُونَهُنَّ وَلَكُنْ

يا پنهان میداريد در نفسهای خود. علم دارد الله آنچه شما ذکر میکنید برای آنها و لاتکن

لَا تُؤَاخِدُوهُنَّ سِرَّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا هُوَ لَا تَعْزِمُوا

نکنید و عده برای آنها سری الا که بگوئید قول معروف . و نکنید عزم بر

عُقدَةُ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتْبُ أَجَلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ

عقد نکاح حتى برسد کتاب به اجلس.^١ و بدانيد که الله علم دارد

١) تا تکمیل شود عدت قرار امر کتاب.

مَا فِي أَنفُسِكُمْ فَاحْذِرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ^(٦)

* آنچه در نفشهای شماست پس حذر کنید ازاو. و بدانید که الله است غفور حليم

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ

نیست گناه برشما اگر طلاق کنید نساء را که نکردید مس آنها را یا

تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةٌ وَمَتِعُوهُنَّ عَلَى الْمُوْسِعِ قَدْرَهُ

نکردید فرض برای آنها فريضه.^١ ومتاع بدھيد بآنها: برصاحب وسع بقدر او،

١) فريضه: مهر.

وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَةٍ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ^{٣٤}

* و بر مقتراً بقدر او. متاع بوجه معروف. حق است بر محسنين

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوْهُنَّ وَقَدْ فَرَضْنَا لَمْ

و اگر طلاق کردید آنها را از قبل آنکه کنید مس بآنها و کرده بودید تعین

لَهُنَّ فَرِيْضَةٌ فَنِصْفٌ مَا فَرَضْنَا لِلَاَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا

برای آنها فریضه، پس نصف آنچه فریضه کرده بودید إلا که کنند عفو یا کند عفو

(۱) مقتراً: تنگ دست.

الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُواً أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ

آنکه بدمتش عقده نکاح است. و اگر کنید عفو قریتراست به تقوا. و

لَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ يِمَانِعُ الْمُعْمَلَوْنَ بَحِيرًا^{٢٣٦}

* نکنید فراموش فضل را بین خود. یقیناً الله است بر اعمال شما بصیر *

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةُ الْوُسْطَىٰ وَقَوْمًا إِلَّا قَنْتَنَى^{٢٣٧}

حافظ باشید بر نمازها و الصلاة الوسطى. و قیام کنید پیش الله فرمان بران*

(۱) الصلاة الوسطى: نماز وسطی. مراد از وسط بهترین و سریعترین است. جریان آب در وسط دریا و خون در وسط شرائین سریعترین است چون اصطکاک با کنار ندارد. عموماً از الصلاة الوسطى مراد نماز عصر است. رسول اکرم ﷺ نماز مغرب را در وسط ذکر نموده.

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ كُبَانًا فَإِذَا آتَيْتُمْهُ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا

و اگر خوف داشتید باز پیاده یا راکب. باز وقتی به امن شدید کنید ذکر الله را طوریکه

عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ^{٣٦٩} وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَمَا

علم داده بشما آنچه را که نبودید عالم برآن * و آنانکه میکنند وفات از شما و

يَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيهَرًا لَا زَوْاجَهُمْ مَتَاعًا إِلَى الْحُولِ غَيْرَ اخْرَاجٍ

میگذارند ازوجی، وصیت کنند برای ازواج خود متاعی إلى یک سال بدون اخراج.

فَإِنْ خَرَجْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْتُ فِي أَنفُسِهِنَّ مِنْ

واگر خارج میشوند باز نیست گناهی بر شما در آنچه فعل میکنند بر نفس های خود طور

مَعْرُوفٍ طَوَّالٌ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{٢٤٠} وَلِلَّهِ طَلْقَتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ طَهْرًا

معروف. والله است عزیز حکیم * و برای طلاق شدگان متاع طور معروف. حق است

عَلَى الْمُتَّقِينَ^{٢٤١} كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَيْتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ^{٢٤٢} إِنَّمَا

بر مردم با تقوا * بدینسان میکند بیان الله برای شما آیات خود را تا کنید تعقل * آیا نه

تَرَأَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمُ الْوَفُورُ حَذَرَ الْمَوْتَ فَقَالَ

دیدی بآنکه خارج شدند از دیار خود، بودند هزارها داشتند حذر از موت،^۱ و گفت

لَهُمُ اللَّهُ مُؤْمِنُوا تَمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ

بآنها الله، بمیرید! باز حیات داد بآنها. یقیناً الله است صاحب فضل بر مردم و

لِكُنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ^{٤٤٣} وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا

لakan اکثر مردم نیستند شکرگذار * و قتال کنید فی سبیل الله و بدانید

۱) حذر داشتند: خوف داشتند. از بیم مرگ خانه های خود را ترک کردند.

أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^{٤٤٤} مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

که الله است سمیع علیم * هر آنکه دهد قرض به الله، قرض حسن،

فَيُضْعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَحْصُطُ وَإِلَيْهِ

میکند مضاعف آنرا برایش اضعاف کثیر. و الله کند قبض و دهد بصط^۱ و نزد او

تُرْجَعُونَ^{٤٤٥} أَكَمْ تَرَى الْمَلَائِمُ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى

میکنید رجعت* آیا ندیدی بسوی ملاع از بنی اسرائیل از بعد موسی.

١) قبض: کم، کوتاه، تنگ، محدود. بصط: زیاد، طویل، فراخ، وسیع.

لَذْقًا وَالنَّبِيٌّ لَهُمْ أَبْعَثُ لَنَا مِلَّكًا نُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ

چون گفتند به نبی خود بعث کن بما پادشاهی تا کنیم قتال فی سبیل الله. گفت

هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَا تُقَاتِلُوا طَاغُوْتًا وَمَا

آیا می پندارید که مکتوب شود بشما قتال بازنکنید قتال شما. گفتند و چه

لَنَا أَلَا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ

باشد مارا که نکنیم قتال فی سبیل الله و بس اخراج شدیم از دیار خود و

أَبْنَاءِنَا طَلَّبَنَا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلُّوا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ طَوَّ

ابناء خود. وقتى مكتوب شد برآنها پشت گشتنندن الا قليل از آنها. و

اللهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ٢٤٦ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ

الله است علیم بر ظالمين * و گفت بانها نبی آنها که الله بتھ بعث کرد

لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَتَيْ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحْقُ

بشما طالوت را پادشاه. گفتند چطور باشد باو پادشاهی برما و مائیم مستحق

بِالْهُكْمِ مِنْهُ وَلَمْ يُعُوْتْ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَنِي

پادشاهی ازاو و نداده شده باو و سعنتی از مال. گفت که الله برگزید او را

عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بُسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجُسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ

برشما و افزود برایش بسط در علم و جسم. و الله میدهد ملکش را

مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ

بهر که خواهد. و الله است واسع عليم * و گفت بآنها نبی آنها که نشانه پادشاهی او

أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّنْهَا تَرَكُ

که میآید بشما تابوت، در آن است "سکینه"^۱ از رب شما و بقیه آنچه ترک کرد

آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِيْلَكُمْ

آل موسی و آل هارون، میکند حمل آنرا ملائک. یقیناً در اینست نشانه بشما

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ فَلَئِنْ أَفْصَلَ طَالُوتَ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ

اگر هستید مؤمنین * وقتی رهسپار شد طالوت با لشکرها یاش گفت که الله

۱) سکینه: علامه سکون.

مُبْتَلِيْكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَكِبِسَ مِنْهُ وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ

مبتلی میکند شمارا بنهری باز هر که شرب کرد از آن نمیباشد ازمن و هر که نخورد طعمه از آن

فَإِنَّهُمْ إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ عُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا

یقیناً اوست از من إلا آنکه گیردبکف کفى بدست خود. مگر شرب کردند از آن إلا قلیل

مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاءَ زَمْنَهُ هُوَ وَالَّذِينَ أَمْنَوْا مَعَهُ لَا قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا

از آنها. وقتی گذشت از(نهر) او و کسان با ایمان همراهیش گفتند نیست طاقت مارا

الْيَوْمَ بِرَجَالُوتْ وَجِنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَكْظُبُونَ أَنَّهُمْ مُّلْقُوا

امروز برجالوت و لشکراو. گفت آنانکه میدانستند آنها میشوند ملاقی

اللَّهُ لَا كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ

الله را "بس" از گروهی قلیل غالب شدند برگروهی کثیر به اذن الله." والله است با

الصَّابِرِينَ ﴿٤٩﴾ وَلَهَا بَرْزُ وَالْجَالُوتْ وَجِنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرَغْ عَلَيْنَا

مردمان صابر * وقتی بروز کردند بر جالوت و لشکراو گفتند "رب ما بریز برما

صَبْرًا وَثَبِّتُ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكُفَّارِينَ^{٥٥} فَهَزَّ مُؤْمِنُوْمُ

صبر و ثابت کن قدمهای مارا و نصرت ده مارا بر قوم کافر.^۱*دادند هزیمت آنها

بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاؤِدُ جَالُوتَ وَاتَّهُ اللَّهُ الْمُلْكُ وَالْحِكْمَةُ وَ

به اذن الله و قتل کرد داود جالوت را و داد باو الله ملک و حکمت را و

عَلِمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِيَعْضٍ

علم داد باو از آنچه خواست. و اگر نمیکرد دفع الله مردم را، بعضی آنها را بعضی،

۱) هزیمت: شکست.